

خلاقیت، نوآوری و ایجاد فرصت کارآفرینی در محیط اسلامی

فاطمه مصطفی زاده^۱، علیرضا سلوکار^۲

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نام نویسنده مسئول:

فاطمه مصطفی زاده

چکیده

دین مبین اسلام با بهره گیری از منبع لایزال الهی، برنامه ای جامع برای همه زمان ها ارائه نموده است. یکی از نیازهای جامعه کار و اشتغال و کارآفرینی است. با توجه به محدود بودن توانایی های دولت و شرکت ها در ارائه مشاغل، افراد در جامعه باید ترغیب شوند تا خود به ایجاد کار بپردازند. ایجاد کار توسط افراد نیاز به خلاقیت و نوآوری دارد. همچنین فرد باید در معرض کار قرار گیرد تا به کشف فرصت های کارآفرینانه نائل آید. در این پژوهش، هدف اصلی محققان، بررسی مبانی و منابع اسلامی مرتبط با ایجاد فرصت کارآفرینی بوده است. از همین رو با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای و اسناد و منابع دینی، رهنمودهای اسلام در راستای خلاقیت و نوآوری و همچنین ایجاد فرصت کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته است تا هم مشخص شود که مشی اسلام، مشی توسعه کار و کارآفرینی است و هم جوانان مسلمان برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی، خود را به نوعی مکلف نسبت به دستورات اسلامی قلمداد نمایند. نتایج به دست آمده نشان داد که برخی از رهنمودهای اسلامی، موید ایجاد فرصت کارآفرینانه و تقویت کننده آن است که این رهنمودها عبارتند از: کار آفرینی راهی برای خودکفایی و حفظ استقلال، رابطه کار و عزت نفس، فرار از کار و تلاش مانع دوری از رحمت الهی، نكوهش بیکاری در اسلام و کارآفرینی و مصرف بهینه منابع و امکانات.

کلمات کلیدی: خلاقیت، نوآوری، فرصت کارآفرینانه در اسلام

مقدمه

جمعیت مسلمانان ۲۵ درصد از کل جامعه جهانی را تشکیل می دهد و این میزان یعنی تعداد مسلمانان از جمعیت کشورهای چین و برزیل بطور مشترک بیشتر است. پس زمانیکه ما برای چنین ظرفیتی قرار است برنامه ریزی نماییم باید بدانیم که چه چیزی بیشترین همخوانی را با عقاید و ارزش ها و باورهای آنان دارد. اگر بتوان تئوری پردازی کارآفرینی را مبتنی با اصول و عقاید مسلمانان انجام داد، به قطع یقین می توان نتیجه بهتری را برداشت کرد. جامعه جهانی بیشتر از هر زمان دیگری به کارآفرینی نیاز دارد. زیرا منابع کنترل شده و موجود بسیار محدود می باشد و دولت ها نمی توانند عهده دار ایجاد شغل برای همه افراد باشند. دولت ها نمی توانند بدنه خود را گسترش دهند و همچنین شرکت های خصوصی هم با محدودیت های بسیاری مانند رقابت و عملکرد و هزینه ها مواجه هستند. پس آنها نیز نمی توانند افراد زیادی را استخدام کنند (هریسون و رومی، ۲۰۱۵). در این بین، کارآفرینی امکان ایجاد فرصت شغلی را برای همه افراد فراهم می کند. توسعه کارآفرینی و ایجاد فرصت کارآفرینانه بر اساس مبانی اعتقادی افراد می تواند منجر به فقرزدایی در جامعه جهانی شود. یکی از مشکلات موجود در جامعه دینی عدم برداشت درست از دین در زمینه کارآفرینی می باشد. کلیه ارزش ها و قوانین دین اسلام حامی کار و تلاش و کسب ثروت می باشد برداشت های غلط و دیدگاه نادرست مردم نسبت به این ارزش ها موجب شده که کارآفرینی در جوامع اسلامی ضعیف باشد. متأسفانه برداشت ما از دین، تقدیرگرایی می باشد. بسیاری از تلاش ها با عنوان دخالت در امور خدا باطل و مردود شمرده می شود. از همین رو به منظور ایجاد پشتوانه دینی برای تقویت و توسعه فرصت های کارآفرینانه در این پژوهش، محققان به مطالعه خلاقیت و نوآوری و همچنین ایجاد فرصت های کارآفرینانه بر اساس مبانی اسلامی پرداخته اند.

در ادامه به تعاریفی از کارآفرینی در اسلام و خلاقیت و نوآوری بر اساس مبانی اسلام پرداخته می شود. سپس مدل ایجاد فرصت های کارآفرینانه مطرح شده و منابع اسلامی موید ایجاد فرصت های کارآفرینانه در پایان ذکر شده اند.

۱- کارآفرینی در اسلام

در آن کریم که قانون اساسی و اساس قانونی ما مسلمانان است، در حقیقت، کتاب زندگی، کارآموزی و حیات طیبه است و پیامبر رحمت، حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز کار و کارآفرینی را مورد تأکید قرار می داد و خود به آن عمل کرد. آن چه از آیات قرآن کریم بهره برداری می شود این است که دست یابی به زندگی شایسته و سالم، در گرو بهره گیری از معارف آسمانی، تفکر، تعقل و فعالیت مثبت، دوراندیشانه و مفید است. خطوط کلی و شاهراه های وصول به زندگی مطلوب، شکوفا کردن بخشی از استعدادهای درونی و جامه عمل پوشاندن به آنهاست؛ زیرا این حیات دنیوی و مادی، ظرفیت شکوفایی تام یا حتی بخش اعظم استعدادهای آدمی را ندارد. در نظام ارزشی و در جای جای کلام معصومین و به ویژه در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، در امتداد آیات قرآن و خاستگاه وحی، امور اقتصادی و مقوله کارآفرینی، بخش مهمی از زندگی آدمی را به خود اختصاص داده است. این نگرش که دین اسلام نوعی تقدیرگرایی و پذیرش شرایط موجود را در مسلمانان تقویت می کند، نه تنها محرکی برای کار و تلاش نخواهد بود، بلکه به عنوان مانعی بزرگ در مقابل کارآفرینی است (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴). از همین رو در ادامه به برخی از دستورات اسلامی که کاملاً مغایر با تقدیرگرایی است اشاره می شود:

توکل بر خدا

اعتقاد به توکل در مفهوم صحیح به رشد کارآفرینی کمک فراوانی می نماید، زیرا کارآفرینی متضمن ریسک پذیری است، با توکل بر خدا، افراد خطرها را پذیرفته و با درایت و دوراندیشی مسیرهای پر ابهام را طی و مشکلات را حل می نمایند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

زهد و دنیاگرایی

انسان زاهد و پارسا به فردی اطلاق می شود که به حداقل دارایی دنیا بسنده کرده و به اصطلاح قناعت را پیشه کند. اسلام هر ثروتی که موجب اذیت و آزار دیگران و یا منشا ثروت و شیوه کسب آن ناصواب و زیان آور باشد، ناپسند تلقی مینماید، زهد در اسلام بیانگر همان روحیه کارآفرینی بوده و به مفهوم کسب منافع مشروع و عدم لطمه زدن به سایرین می باشد، بنابراین آنچه در اسلام تأکید می شود، اجتناب از کسب ثروت نامشروع و زیان آور برای جامعه و رعایت اخلاق کارآفرینی است (اوکیل، ۲۰۱۳).

بهره بانکی و کارآفرینی

یکی از مشکلات کارآفرینان نرخ بهره بالای وام های بانکی می باشد. در کشورهای توسعه یافته به منظور توسعه کارآفرینی وام های با بهره پایین و یا بدون بهره پرداخت می شود که پایین بودن نرخ بهره و یا عدم وجود بهره در وام های کارآفرینی برای توسعه و ترویج آن موثر

می‌باشد، در اسلام نیز بر ممنوعیت بهره تحت عنوان ربا تاکید شده بطور کلی موازین و اصول اسلامی با کارآفرینی نه تنها هیچ گونه تعارضی ندارد، بلکه آن را تشویق و ترغیب می‌نماید تفسیرهای نادرست از دین اسلام موجب شده که سدهای زیادی در مقابل کارآفرینی به وجود آید لذا لازمست مسئولین امر بویژه دولت این مشکلات را مرتفع سازد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

۱-۱. فرهنگ اسلام و کارآفرینی

فرهنگ با کارآفرینی و شاخص‌های موجود رابطه ای نزدیک داشته و براساس نتایج حاصله فرهنگ‌ها زمینه‌ساز و مشوق کارآفرینی بوده و غالباً دارای سطح ریسک‌پذیری بسیار بالا و گرایش بلند مدت می‌باشند از طرفی این معیارها با آموزه‌ها و دستورات دینی و اسلامی سازگار هستند. در دین اسلام بر کار گروهی، مردم‌گرایی، مشورت و زندگی اجتماعی تاکید زیادی شده و به فردگرایی، گوشه‌نشینی، دوری از مردم حتی برای عبادت نیز توصیه نشده است. به اعتقاد صاحب‌نظران کارآفرینی، کارآفرینان باید، یک ریسک منطقی و حساب شده را بپذیرند. کارآفرینان با توکل برخداوند با این ریسک منطقی ارتباط نزدیکی برقرار می‌نمایند. در واقع توکل در اسلام به معنای پذیرش ریسک‌های منطقی و داشتن امید به خدا برای موفقیت است (اوکیل، ۲۰۱۳).

آموزه‌های اسلام عامل مهمی در گرایش افراد به اهداف و برنامه‌های بلندمدت می‌باشد. در اسلام افراد باید تلاش نموده که به اقشار مختلف جامعه خدمت نمایند در این زمینه لازمست افراد برای آینده‌های دور و حتی نسل‌های بعد برنامه‌ریزی نمایند. فرهنگ اسلام اصولاً کارآفرینانه بوده و شرایط مناسبی برای توسعه کارآفرینی فراهم می‌شود از طرفی هنگامی که دو فرهنگ با هم تماس و تعامل مداومی داشته باشند، هر یک به میزانی بر دیگری تاثیر و از آن تاثیر می‌پذیرند. به تبع فرهنگ قوی‌تر تاثیر بیشتری بر فرهنگ ضعیف خواهد گذاشت. با توجه به فرهنگ غنی اسلام می‌توان با بهره‌گیری از عناصر سایر فرهنگ‌ها به‌ویژه فرهنگ غرب، نیازهای لازم کارآفرینی را تامین نموده و یکپارچگی نظام فرهنگی را نیز حفظ نمود. اصول اسلامی هرگز با پذیرش عناصر سازنده سایر فرهنگ‌ها مخالف نبوده است. پیامبر(ص) نیز فرمود: «به‌دنبال علم بروید حتی اگر در چین باشد». بنابراین در فرهنگ اسلام، با پذیرش عناصر سایر فرهنگ‌ها مشروط به سازندگی هیچ مخالفتی وجود ندارد (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

۲-۱. فرهنگ اسلامی و ایجاد کارآفرینی

کشور ما به لحاظ وجود انبوهی نیروی کار جوان نیازمند کارآفرینی می‌باشند اما رشد کارآفرینی به ویژگی‌های فرهنگی مناسب بستگی دارد. خوشبختانه فرهنگ اسلامی زمینه مناسبی را برای رشد کارآفرینی فراهم نموده از طرفی ضرورت دارد اصول موجود در فرهنگ اسلامی که به رشد کارآفرینی می‌انجامد مورد توجه بیشتری قرار گیرد بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند پس از فارغ التحصیلی در سازمانی جذب شوند که نشانه آن آموزش‌های فرهنگی لازم در فرهنگ اسلامی در زمینه کارآفرینی می‌باشد برخی از کشورهای جهان می‌کوشند به نحوی فرهنگ کارآفرینی را ایجاد و آن را به نسل جوان آموزش دهند. بعضی از کشورها نیز در مدارس به آموزش فرهنگ کارآفرینی می‌پردازند. که نمونه بارز آن کشور ژاپن بوده که آموزش کارآفرینی را از مدرسه آغاز بطوریکه نوجوانان ژاپنی در دبیرستان‌های این کشور در رابطه با کارآفرینی چگونگی انجام آنرا در حین تحصیل همراه با کارمحقق می‌سازند و از فعالیت خود سود به دست آورند. درواقع در شرایطی که کشورهای پیشرفته می‌کوشند از همه مؤلفه‌های موجود در فرهنگ خود برای گسترش کارآفرینی استفاده نموده و به هر طریق ممکن این فرهنگ را ایجاد نمایند متأسفانه بیشتر کشورهای اسلامی قادر نیستند از آموزه‌های فرهنگی موجود در اسلام برای گسترش کارآفرینی و تطبیق با فضای کسب و کار و اشتغال استفاده نمایند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

آگاهی از فرهنگ اسلامی در زمینه کسب و کار، دریچه‌های جدیدی رامطرح لذا فقدان آگاهی جامعه از فرهنگ اسلامی در زمینه کارآفرینی موجب شده که برخی آن را مخالف کسب و کار آزاد قلمداد نمایند. از طرفی بعضی از محققان غربی باورهای اسلامی را با بازار آزاد سازگار ندانسته لیکن برخی نیز مانند **Nadine Power** با بررسی متون اصلی اسلامی، اسلام را بر پایه شکیبایی، عدالت اجتماعی و حقوق انسانی دانسته و آزادی انتخاب و آگاهی در اسلام را بسیار مهم تلقی نموده خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: «کار عبادت است» (هاشمی ز نور، ۱۳۹۲).

فقدان تعارض فرهنگ اسلامی و فضای کسب و کار و تطابق این فرهنگ با فضای مورد بحث از اهمیت ویژه ای در اسلام برخوردار می‌باشد «اسلام تمام جوانب زندگی شامل حکومت و اقتصاد را در بر می‌گیرد. بدیهی است در صورتی که تاثیر گسترده قواعد اسلامی درک نشود چگونگی انجام فعالیتهای کسب و کار نیز درک نخواهد شد» (هاشمی ز نور، ۱۳۹۲).

سرمایه گذاری و سودآوری مبنای فعالیتهای اقتصادی غربی بوده لیکن در اسلام انباشتن و پرداخت بهره ممنوع بوده قانون اسلامی، داد و ستد را بر پایه اعتبار منظور و این عقیده را قوت می‌بخشد که سرمایه باید جهت توسعه جامعه و سود و زیان در کسب و کار لحاظ و مورد

استفاده قرار گیرد. اصولاً برای تقویت نقاط قوت سیستم‌های سرمایه داری با ارزش‌های سنتی کار خلاقانه ایا همیت خواهد داشت از طرفی می‌بایستی مراکز کار و علمی در تلاش برای ارتقای نوآوری و کارآفرینی باشند یادگیری از تجربیات موفقیت آمیز در اشتغال دارای اهمیت خواهد بود که با چنین ذهنیتی درها گشوده شده و دنیایی نو نمایان خواهد گردید. در فرهنگ اسلامی و در آیه ۱۱ سوره رعد، «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم، به درستی که خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حال خویش را تغییر دهند» به توانمندسازی مسلمانان اشاره شده است (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

۳-۱. اخلاق کار در اسلام و کارآفرینی

همه کارآفرینان دارای برخی ویژگی‌های مشترک می‌باشند اما ویژگی‌های دیگری نیز ناشی از فرهنگ وجود داشته. به همین علت کارشناسان در سطح جهان به این نتیجه رسیده اند که تعمیم برخی نظریه‌های غربی به بافت‌های فرهنگی سایر کشورهای در حال توسعه چندان صحیح نمی باشد لذا گرایش به کارآفرینی در میان جوامع به دلیل فرهنگ آنان، متفاوت بوده و این فرهنگ ویژگی‌های ایجاد اشتغال در کارآفرینان را تعدیل می‌کند (اوکیل، ۲۰۱۳).

«تحقیقات نشان می‌دهد که مقایسه فرهنگ کشورهای اسلامی با فرهنگ غربی بویژه امریکایی نشانه اینست که فعالیت در کار اسلامی، مفاهیم «حرص خوب است» و «رسانیدن خود به بالاترین سطح» را ترویج ننموده بلکه در جوامع اسلامی افراد را به دنبال سودهای قانع کننده ترغیب نموده و از کارآفرینان انتظار می‌رود که میان تمایل به سود و تعهد خدمت به جامعه توازن برقرار نمایند. انصاف و شفقت شرایط لازم برای رفاه جوامع اسلامی می‌باشد عبارتی مفهوم سود قانع کننده نباید به رشد اقتصادی صدمه زند بلکه فرهنگ اسلامی، تلاش فردی قانونی را به عنوان راه مشروع کسب پول حلال مورد توجه قرار دهد. همچنانکه ایدئولوژی اخلاق کار، تنبلی را محکوم می‌کند و آنرا از ارزش‌های قوی در اسلام میدانند. در این زمینه لازمست بازار آزاد و انجام کسب و کار با توجه بدیدگاه اسلام مورد تشویق قرار گرفته قواعد مالی اسلامی، سرمایه گذاری را ترویج شود. از طرفی مسلمانان برای هر دارایی انباشته بلااستفاده زکات پرداخت نموده و اطلاع داشته باشند که نگهداشت منابع اضافی بدون استفاده نه تنها قدرت آنان را زیاد ننموده بلکه آنها را ضعیف تر نیز می‌نماید. فرهنگ اسلامی اشتغال به کار سخت و فعالیت‌های اقتصادی توسط افراد و سازمانهای کسب و کار را به عنوان یک تعهد و الزام دینی تلقی می‌نماید. بدیهی است، این فرهنگ بر توازن میان کار و زندگی فردی و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی تاکید نموده بنابراین کارآفرینان توازن میان تمایل به سود و تعهد به خدمت به جامعه را حفظ می‌نمایند. لازمست برای توسعه کشور به گسترش فرهنگ کارآفرینی پرداخته بنابراین هرچه آموزه‌های دینی موجود در فرهنگ ملی و اسلامی توأم باشد، به نتایج بهتر و سریعتری دست پیدا خواهیم نمود (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

۴-۱. فرهنگ و اخلاق کارآفرینی از دیدگاه اسلام

در متون دینی، کارآفرینی بعنوان سودمندی اقتصادی و عزت برای جامعه در حرکت به سوی کمال و استقلال، تعریف شده بنابراین سودمندی از طریق انجام کار توأم با بهره‌وری و خلق موقعیت فعالیت‌های جدید که همراه با سازندگی و شکوفایی اقتصادی در جامعه اسلامی می‌باشد، دارای ارزش می‌باشد (هاشمی زنور، ۱۳۹۲).

صفت کارآفرینی در نهاد هر انسانی قابل پرورش بوده و برخورداری از ویژگی کارآفرینی در انسان، تجلی یکی از صفات خداوند می‌باشد و کارآفرین در مقابل آن مسئول بوده و در پیشگاه باری تعالی باید پاسخگوی نحوه اعمالش باشند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

در فرهنگ غنی اسلام و با توجه به ارزش‌ها و عقاید الهی، فرهنگ تلاش، خلق کار و سهولت بخشیدن به زندگی و سطح معیشت همگون، همواره مورد تمجید و سفارش بوده متأسفانه برخی به اشتباه کار و کارآفرینی را با دنیاگرایی و سلطه‌گری برابر می‌دانند. کارآفرینان مسلمان، بنا به توصیه مذهب، نوآور، آگاه نسبت به زمانه، شکیب، عفوپیشه، سخت‌کوش می‌باشند زیرا فعالیت اندک، اگر با بصیرت و دانش صورت پذیرد قابل توجه بوده و چنانچه کار بسیار توأم با نادانی انجام گیرد بی ارزش می‌باشد (هاشمی زنور، ۱۳۹۲).

کارآفرینان قبل از اقدام به فعالیت، آموزش کسب و کار را فرا گرفته و با مشارکت در کارهای گروهی مقدمات شکوفایی اقتصاد و اثربخشی را فراهم می‌نمایند. لیکن نیاز به حمایت مادی و معنوی در کلیه سطوح جامعه داشته و در واقع این جامعه و کشور بوده که به خلاقیت و وجود کارآفرینان، در جهت نیل به منافع جمعی، نیاز دارد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

۲. خلاقیت در اسلام

اسلام انسان را به شورا ترغیب کرده و پیامبر اسلام (ص) از مشورت به عنوان یک اصل تربیتی استفاده کرده است و در سیره ی آن حضرت نمونه های زیبایی وجود دارد که در جنگها و سایر مسائل اجتماعی با یاران خود به مشورت می پرداختند. تأکید و عمل آن حضرت

به این اصل تربیتی بیشتر به خاطر جنبه ی آموزشی و تأثیر آن در رشد افراد بوده است. در واقع هر قدر که مدیران در سازمانهای آموزشی از دانش و تجربه کافی برخوردار باشند، باز هم مشورت با دیگران افقهای تازه ای برای آنان می گشاید. حضرت علی (ع) می فرماید: «بهترین راه حل ها و صحیح ترین شیوه ها با استفاده از اندیشه های افراد مختلف به دست می آید.» (هاشمی زنور، ۱۳۹۲).

۲-۱. راهکارهای افزایش خلاقیت در اسلام

کنجکاوی فراوان

افراد خلاق بسیار کنجکاو و همواره به دنبال موضوعات پیچیده، نو، ناشناخته و عجیب هستند. از این رو آنها در مقایسه با کسانی که از توانایی خلاقیت کمتری برخوردارند، پرسشهای بیشتر و پیچیده تری را مطرح می کنند. افراد خلاق، بخش زیادی از وقت خود را صرف توجه دقیق به اطراف می کنند و از این راه، موضوعات جدیدی را برای فکر کردن می یابند. کنجکاوی، میل و رغبت زیاد به فهمیدن یا آگاهی از موضوعی تازه است. وقتی انسان کنجکاو با موضوعی روبه رو می شود شدیداً به تکاپو می افتد و تلاش می کند تا از آن سر در آورد. این میل و رغبت او را بر می انگیزاند تا به دنبال افراد، اطلاعات و موقعیت های گوناگون رفته، آنها را تجربه یا بررسی کند. انسان خلاق به دانستن و پرسیدن علاقه فراوانی دارد. در حقیقت انسان خلاق، هم پرسیدن را دوست دارد و هم به دنبال پاسخ بودن را. لذا طرح سؤال و مسئله پردازی، از علامت های معمول در افراد خلاق است. انسان خلاق در رویارویی با پدیده ها و اتفاقات رویکرد فعالانه دارد، یعنی سؤال هایی در ذهن خود پرورش می دهد و علاقه مندان می کوشد تا به جواب دست یابد (هاشمی زنور، ۱۳۹۲).

در قرآن کریم نیز حدوداً ده بار آیاتی راجع به سؤال کردن، آمده که خود تأیید، تشویق و تأکیدی است بر پرورش صفت کنجکاوی در انسان. مهم ترین نکاتی که در این آیات در ارتباط با این بحث دیده می شود، حق مداری در سؤال کردن است؛ یعنی دوری از لجبازی یا اهداف دیگر. هدف از سؤال کردن باید فهم کردن مسئله باشد، نه چیزی دیگر. در قرآن کریم آمده است: "یا أيها الذین آمنوا لاتسألوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم وان تسألوا عنها حین ينزل القرآن تبدلکم عفا الله عنها والله غفور حلیم * قد سألها قوم من قبلکم ثم أصبحوا بها کافرین؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برایتان آشکار شود شما را اندوهناک می کند می پرسید و اگر هنگامی که قرآن نازل می شود، درباره آنها سؤال کنید، برای شما روشن می شود. خدا از آن گذشت می کند، و خداوند آمرزنده بردبار است. گروهی پیش از شما از این پرسش ها کردند که به سبب آن کافر شدند" (خداپاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

این آیه مؤمنان را از اینکه از چیزهایی سراغ بگیرند و مطالبی را بپرسند که اگر برایشان آشکار شود ناراحت می شوند نهی می کند، و غرض، نهی از سؤالات معینی است، سؤال از هر چیزی که خدای تعالی در چرخه اطلاع از آن (با اسباب عادی) را به روی بشر، بسته ممنوع شده است؛ زیرا خطری که در سؤال از این گونه امور است، مثلاً پرسش از روز مرگ خود، و یا روز مرگ دوستان و عزیزان یا پرسش از زوال ملک و عزت، همیشه مظنه هلاکت و بدبختی است، و چه بسا همان جستجو و به دست آوردن مطلب خود باعث هلاکت و بدبختی شود (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

از طرفی سؤالاتی بوده مربوط به مسائل جزئی احکام دین، و چیزهایی که تفحص و کاوش در آنها جز دشوار کردن دین و سنگین کردن بار تکلیف، نتیجه دیگری در پی ندارد، مانند سؤالاتی که بنی اسرائیل درباره نشانه های گاوی که مأمور به ذبح آن شده بودند می کردند، و در نتیجه این قدر آن گاو را محدود و مشخص کردند تا منحصر شد به یک گاو، و مجبور شدند آن را به قیمت گزافی بخرند. بنابر این، ساختن و پرداختن سؤالاتی از پیش خود، در حقیقت خود را بیهوده به زحمت انداختن و در دینداری کار را بر خود تنگ گرفتن است، البته این باعث بدحالی و اندوه می شود، چون در حقیقت این گونه سؤالات رد کردن عفو پروردگار و نپذیرفتن آن است، با اینکه خدای تعالی جز تسهیل امر و تخفیف در تکلیف بندگان و تحکیم صفت مغفرت و حلم خود غرض دیگری از آن ندارد (دهقانی زاده، ۱۳۹۱).

از امام علی (ع) نقل شده است که: "سل تفقها و لاتسأل تعنتاً، به منظور یاد گرفتن سؤال کن نه به منظور بهانه جویی!". از طرفی سؤال شونده نباید هر کسی باشد. خداوند می فرماید: "فاسألوا اهل الذکران کنتم لاتعلمون؛ پس اگر نمی دانید، از اهل ذکر آ پژوهندگان کتاب های آسمانی [سؤال کنید]". در ضمن سؤال شونده باید کسی باشد که از عهده بحث برآید. نباید برای مطرح شدن خود یا شهرت، سؤال کرد. دین اسلام، همواره به سؤال کردن تشویق کرده است. حضرت علی (ع) همواره می فرمود: "سلونی قبل ان تفقدونی...، از من سؤال کنید، پیش از آنکه مرا از دست بدهید..." (خنیف، ۱۳۸۶).

گاه سؤال کردن شامل بررسی روابط علی می شود، گاه مربوط به امکان سنجی خلق چیزهای جدید یا ارائه راه حل های نو، مربوط به ترکیب یا آمیختن پدیده ها و موضوعات و در بعضی موارد، کاربردها و فواید، مورد نظر است (هاشمی زنور، ۱۳۹۲).

در اینجا باید توجه داشت که کنجکاوی و طرح مسئله، اگرچه شبیه یکدیگرند، اما میان آنها یک تفاوت اساسی وجود دارد. در کنجکاوی، انسان خلاق علاقه مندانه به دنبال یافتن موضوع یا کشف آن است، ولی در طرح مسئله، علت و عوامل موضوع، بیان می شود تا

فرآیند کنجکاوی را تکمیل کند. لذا طرح سؤال، ابزاری است در اختیار فرد خلاق تا به کنجکاوی‌های خویش ادامه دهد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

دادن ایده‌های زیاد یا مناسب درباره یک مسئله

افراد خلاق در موقعیت‌ها و شرایط متفاوت می‌توانند فکرهای مناسبی ارائه دهند و به همین دلیل معمولاً پیشنهادشان مورد قبول سایرین قرار می‌گیرد. افراد خلاق معمولاً به دلیل توانایی ذهنی و همچنین تیزبینی خاصی که در شناسایی مشکل دارند به جای گیر افتادن در مسئله یا مشکل می‌توانند اساس مشکل را با هوشمندی دریابند و به منظور یافتن بهترین راه حل، به سرعت، تجارب و امکانات خود را در ذهن مرور کنند و به راه حل‌های ابتکاری نیز دست یابند. در مجموع، افراد خلاق، متناسب با سن خود، در شرایط مختلف به منظور ارائه ایده‌ها و راه حل‌های مناسب آمادگی دارند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

ابتکار و تخیل قوی

ابتکار داشتن، یعنی دور شدن از کلیشه‌ها، قالب‌ها و عادت‌های رایج و تکراری. فرد خلاق به راه حل‌های کلیشه‌ای و به طور کلی تفکر مبتنی بر عادت علاقه‌ای ندارد. یکی از نشانه‌های افراد خلاق این است که افکارشان غیرمتعارف و غیرمعمولی است. با اینکه افکار افراد خلاق غیرمعمولی است؛ اما ناپهناجاری نیست. معمولاً مردم افکاری را می‌پسندند که عجیب و غریب نباشد و با آن آشنا باشند. اگر به دنبال راه حلی هستند؛ راه حلی را دوست دارند که معمولی باشد و زحمت زیادی را بر آنان تحمیل نکند. حال اگر چنین راه حلی کمی غیرعادی و ناآشنا جلوه کند؛ آنان در پذیرشش از خود مقاومت نشان خواهند داد. در افراد خلاق افکار خواه ذهنی یا عینی، کمتر تکراری است و غالباً با شکل‌های معمول فرق دارد (هاشمی زنور، ۱۳۹۲).

البته این تعبیر بدان معنا نیست که فرد خلاق دوست دارد افکارش نامتعارف و عجیب و غریب باشد، بلکه این واقعیت را بیان می‌کند که فرد خلاق نگاه ظریف‌تر و دقیق‌تری نسبت به موضوعات دارد و از این رو می‌تواند آنها را در حالات و شرایط متفاوتی تخیل و تجسم کند. بنابر این، چون می‌تواند اشیاء، حوادث، انسان‌ها، حیوانات، طبیعت، رویدادها و... را به گونه دیگری تصور کند، می‌تواند افکار غیرمعمول نیز داشته باشد. این افکار غیرمعمول و ابتکارات، بر مبنای تخیل، شکل می‌گیرد. در واقع، تخیل زیربنای خلاقیت است (خنیفیر، ۱۳۸۶).

بازی با ایده‌ها و افکار، نوعی سرگرمی ذهنی برای فرد خلاق محسوب می‌شود. در بیشتر مواقع، فکر کردن درباره یک ایده، کم و زیاد کردن یا تغییر دادن آن در ذهن، برای فرد خلاق فعالیت لذت بخش است. در شرایط طبیعی، فرد خلاق ساعت‌های بسیاری به فکر کردن درباره موضوعات مورد علاقه‌اش می‌پردازد. او به جوانب مختلف موضوع، فکر می‌کند و با آن سرگرم می‌شود، زمان این سرگرمی گاهی چنان طولانی می‌شود که فرد از وجود اطرافیان، زمان، خوردن و خوابیدن و... بی‌خبر می‌ماند. بازی با ایده‌ها و افکار به شکل‌های مختلفی نشان داده می‌شود. البته بخش بزرگی از این بازی، در دنیای بیداری روی می‌دهد. در همین ایام ساختن چیستان‌ها و لطایف خوشمزه، بیان عبارت‌های جالب و تحسین برانگیز، ارائه پیشنهادها و راه حل‌های مناسب، علاقه مندی به پازل‌ها و معماها، ساختن کاردستی‌ها، طراحی کردن‌ها، نقاشی‌های گوناگون، نمونه‌هایی از بازی با ایده‌ها و افکار فرد خلاق است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

حساسیت و توجه

بسیاری از اشیاء و پدیده‌هایی که برای اغلب مردم عادی و پیش پا افتاده جلوه می‌کند، می‌تواند توجه به حساسیت فرد خلاق را برانگیزد. اساساً یک فرد خلاق نمی‌تواند از کنار مسائل بی‌تفاوت بگذرد و محیط پیرامون را با دقت مورد توجه قرار ندهد. از این رو، ایده‌های فرد خلاق معمولاً با ایده‌های دیگران، تفاوت بسیاری دارد و در مواردی که دیگران به راحتی و روزمرگی از آن می‌گذرند ذهن خیال‌پرداز وی فعال است. انسان خلاق نسبت به وقایع اطراف خویش حساس است. این حساسیت باعث درک عمیق‌تر از پیرامون و به تبع آن آگاهی بیشتر می‌شود. انسان خلاق، نسبت به طبیعت و موجودات نیز حساس است. در مورد اهمیت دادن به مسائل اطراف خود، احادیث و توصیه‌های زیادی وجود دارد (هاشمی زنور، ۱۳۹۲).

خداوند متعال در قرآن کریم در حدود ۷۵۰ آیه از پدیده‌های طبیعی به عنوان آیات الهی یاد می‌کند و بندگان را به تفکر و نظر در آنها دعوت می‌کند. این آیات را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. آیاتی که در آنها از مواد سازنده اشیاء صحبت شده و یا به کشف آنها امر شده است؛
۲. آیاتی که در آنها از نحوه خلقت اشیاء خاصی صحبت شده و یا به کشف پیدایش آنها امر شده است؛
۳. آیاتی که در آنها امر به کشف نحوه خلقت جهان شده است؛
۴. آیاتی که در آنها امر به مطالعه تحولات طبیعی شده است؛

۵. آیاتی که در آنها به موجودات طبیعی قسم یاد شده است؛
۶. آیاتی که در آنها با اشاره به برخی پدیده‌های طبیعی امکان وقوع معاد بیان شده است؛
۷. آیاتی که در آنها سخن از وجود نظم در طبیعت و اتقان صنع خداوندی به بیان آمده است؛
۸. آیاتی که در آنها سخن از هماهنگی بین خلقت انسان و دیگر موجودات و مسخر بودن امکانات طبیعی برای انسان به میان آمده است (خنیف، ۱۳۸۶).

خداوند متعال در این آیات انسان را به تفکر و نظر کردن در پدیده‌های طبیعی دعوت می‌کند تا وی از راه مشاهده نظم و هماهنگی دستگاه آفرینش به عجایب خلقت به او پی ببرد. روشن است که به منظور درک مسائلی که در این آیات ذکر شده و یافتن پاسخ برای سؤالاتی که در بعضی از آیات آمده، دانستن علوم طبیعی ضروری است؛ زیرا مطالعه سطحی موجودات طبیعی نمی‌تواند انسان را به عظمت خلقت آشنا سازد. لذا در سوره فاطر خداوند پس از ذکر یک سلسله پدیده‌های طبیعی می‌فرماید: "اتمايخشي الله من عباده العلماء؛ تنها دانشمندان هستند که عظمت خدای را در می‌یابند و خشیتی شایسته او در دلشان حاصل می‌شود." همچنین در قرآن آمده است: "بل هو آیات بینات فی صدور الذین اویوا العلم...؛ بلکه این قرآن آیات روشن الهی است در سینه آنان که خدا نور علم و دانش یافتند و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نکنند..."

البته قرآن کتاب علوم تجربی نیست و ذکر پدیده‌های طبیعی در آن از این جهت است که اولاً انسان از طریق مطالعه طبیعت و دیدن شگفتی‌های خلقت و نظم موجود در جهان ایمانش به خدا افزایش یابد و ثانیاً با امکانات فراوانی که در طبیعت برای او فراهم شده، آشنا شود و بدین وسیله نیز بر معرفت او نسبت به خداوند افزوده شود. در ضمن با بهره‌گیری صحیح از آنها او را سپاسگزاری نماید (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

نقشی که قرآن برای علوم تجربی از جهت خدانشناسی قائل است عامل اصلی اقبال دانش‌پژوهان مسلمان به این علوم شد. در واقع پیدایش تمدن درخشان اسلامی را باید تا حد بسیاری مرهون آن دانست.

علاوه بر آیات قرآن، در گفته‌های معصومان نیز، چنین توصیه‌هایی فراوان است. حضرت امیر(ع) درباره مورچه و خلقت آن می‌فرماید: "آیا در مخلوق کوچک او دقت نمی‌کنند؟ چگونه به خلقتش استحکام بخشیده و ترکیبش را استوار ساخته، به او دستگاه شنوایی و بینایی عنایت کرده و استخوان و پوست کامل داده است. در مورچه با این جثه کوچک و اندام لطیف بیندیشید، آن چنان کوچک است که نزدیک است با چشم دیده نشود، و از اندیشه غایب گردد، چگونه با این جثه کوچک روی زمین می‌جنبد و بر جمع روزی، عشق می‌ورزد، و دانه را به لانه خود حمل می‌کند، و در انبار نگهداری می‌نماید، در تابستانش برای زمستانش گرد می‌آورد" و هنگام ورود اقامت زمستانی، زمان بیرون آمدن را پیش‌بینی می‌کند، این چنین موجود این چنین روزی‌اش تضمین شده، و تطبیق داده شده است، خداوند منان هرگز او را از یاد نمی‌برد، ولو در زیر سنگ سخت باشد، اگر در مجرای ورودی و خروجی غذا و در ساختمان شکم او و گوش و چشم او، که در سرش قرار داده شده تفکر و تحقیق کنی و آنها را کشف کنی سخت در شگفتی خواهی رفت (اوکیل، ۲۰۱۳).

پس بزرگ است خدایی که مورچه را بر روی دست و پایش برپا داشت و پیکره وجودش را با استحکام نگاه داشت، در آفرینش آن هیچ قدرتی او را یاری نداد و هیچ آفریننده‌ای کمکش نکرد. اگر اندیشه‌ات را به کارگیری تا به راز آفرینش پی برده باشی، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست، به جهت دقتی که جدا جدا در آفرینش هرچیزی به کار رفته است." که همه اینها دعوت به توجه به اطراف خود و حساسیت نسبت به ظرافت‌های عالم هستی است (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

ترجیح پیچیدگی به سادگی

انسان خلاق، مسائل پیچیده را به مسائل ساده ترجیح می‌دهد. حضرت رسول(ص) می‌فرماید: "افضل الاعمال احمزها؛ برترین اعمال مشکل‌ترین آنهاست". کسی که از خلاقیت کمتر بهره‌ای دارد یا تمایلی به بروز آن را از خود نشان نمی‌دهد، هیچ وقت سراغ سختی‌ها نمی‌رود و همواره به دنبال راه‌های آسان است، به طوری که معمولاً راه‌های پیموده شده را انتخاب می‌کند. اما انسان خلاق، پیچیدگی‌ها را انتخاب کرده و به دنبال یافتن راه حلی ساده برای آنهاست.

یکی از سادگی‌ها، در زندگی، انتخاب راه‌های تکراری است که انسان از قبل تجربه کرده است. یعنی انسان به دنبال تغییر نباشد و همانند دیروزش زندگی کند. دین مبین اسلام، این کار را نهی کرده است. چنانچه امام کاظم(ع) فرمود: "هر کسی که دو روزش مساوی باشد (و روز بعد بهتر از روز قبل نباشد) مغبون است."

سلامت روانی و ادراکی

انسان خلاق، انسانی است که از سلامت روانی برخوردار باشد. انسان خلاق قادر است فکر، اندیشه و حرف‌های تازه را پشت سر هم مطرح کند بدون اینکه دچار رکود شود. بهره‌مندی از ذهن سالم، باز و گشوده این امکان را برای انسان فراهم می‌نماید تا از آنچه می‌خواهد، تصویر روشنی خلق کند. عملی می‌تواند منشا موفقیت و پیروزی باشد که در ورای آن اندیشه‌ای سالم نهفته باشد (اوکیل، ۲۰۱۳).

انعطاف‌پذیری ادراک

یکی دیگر از ویژگی‌های فرد خلاق، انعطاف‌پذیری است که به معنای توانایی کنار گذاشتن چارچوب‌های ذهنی بسته گذشته، و توانایی دیدن اندیشه‌های جدید و افکار نو و پذیرش مناسب‌ترین و کارآمدترین باورهاست. انسان انعطاف‌پذیر، اشتباه خود را می‌پذیرد و در مقابل، به آنچه نمی‌داند آگاه است و صادقانه به آن اعتراف می‌کند.

انسان خلاق معمولاً به منظور حل هر مسئله و رسیدن به یک هدف، چندین راه و روش در نظر می‌گیرد و به یک راه بسنده نمی‌کند. چرا که او انعطاف‌پذیر است، یعنی توانایی کنار گذاشتن قالب‌های ذهنی گذشته را دارد. او توانایی دیدن اندیشه‌ای جدید و بررسی افکار نو و پذیرش مناسب‌ترین و کارآمدترین باورها را دارد.

با دو پرسش از خود، می‌توان به میزان انعطاف‌پذیری در زندگی خصوصی و اجتماعی پی برد:

(الف) انسان چه میزان به اشتباه‌های خود در مقابل دیگران اعتراف می‌کند؟

(ب) انسان چه میزان در مقابل آنچه نمی‌داند اعتراف کرده و کلمه "نمی‌دانم" را بر زبان جاری می‌کند؟

انسان با تکرار در اعتراف به موقع به اشتباه‌ها و اقرار صادقانه به آنچه نمی‌داند باعث می‌شود این خصوصیت خوب به یک رفتار طبیعی و عادت مقبول تبدیل گردیده و این توانایی را به وجود می‌آورد که چارچوب‌های ذهنی باطل را فروبرد. ائمه (ع)، به همه اجازه بحث نمی‌دادند، بلکه افراد خاصی اجازه چنین کارهایی داشتند. امام صادق (ع) مناظرات علمی فراوانی انجام می‌داد، در عین حال از مناظرات غیراصولی پرهیز داشت؛ لذا طیار، یکی از دوستان امام صادق (ع) به حضرت گفت: خبردار شده‌ام که از مناظره با مخالفان ناخشنودید! فرمود: "اما کسی که مثل تو باشد، اشکالی ندارد؟ کسانی که وقتی پرواز می‌کنند و اوج می‌گیرند، به خوبی می‌توانند بنشینند و هنگامی که می‌نشینند، به خوبی می‌توانند پرواز کنند و اوج گیرند. کسی که چنین باشد ما از مناظره کردن با او ناخشنود نیستیم".

پاسخ‌دهنده به سؤال، باید توجه داشته باشد که هر سؤالی جواب‌دانی نیست. هر اندازه خلاقیت و نوآوری بیشتر باشد به همان اندازه انعطاف‌پذیری بیشتر شده و وقت کمتری صرف حراست و دفاع از افکار غلط گذشته خواهد شد. مطالعه سیره انبیا و اولیا الهی (ع) و دانشمندان و نوابغ بزرگ جهان اسلام نشان می‌دهد که چقدر اهل تفکر و اندیشه بودند و چگونه در مقابل افکار منحط و متحجرانه با صبر و تحمل و شکیبایی گوش فرامی‌دادند و سپس با منطقی که هر انسان اندیشمند و صادقی را قانع می‌کرد دریچه‌هایی از اندیشه‌های بزرگ و خلاق را که تا آن روز هرگز نشنیده بودند در مقابل آنان می‌گشودند؛ جهانی بزرگ‌تر و اندیشه‌هایی جهانی برای رشد و تعالی انسان در همه زمینه‌ها، صبر و تحمل، لازمه انعطاف‌پذیری است و صبور بودن، شجاعت می‌خواهد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

نکته دیگر در همین راستا، تأکید اسلام بر دوری از تعصب منفی است. حتی تعصب بیجا و افراطی در دین نیز منع شده است. امام علی (ع) فرمود: "حب الشیء یعمی و یصم، محبت و علاقه افراطی آدمی را کور و کر می‌سازد".

تعصب و عصبیت، به معنای حمایت و دفاع کردن است. از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله علیه): "عصبیت یکی از اخلاق باطنه نفسانیست است که آثار آن مدافعه و حمایت کردن از خویشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسلکی باشد یا تعلق وطنی و آب و خاک یا غیره آن، مثل تعلق شغلی و...". از دیدگاه آموزه‌های اسلامی تعصب به دویخش تقسیم می‌شود، تعصب ناپسند و تعصب پسندیده (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

تعصب مذموم و ناپسند

اگر حمایت همه جانبه از خود یا متعلقان خود، به گونه‌ای باشد که آدمی را از درک حقیقت و رسیدن به واقعیات دور کند و تنها معیار انسان در حمایت و دفاع از چیزی، حب و بغض نفسانی باشد، نه معیارهای منطقی و دینی، چنین تعصبی، مذموم و ناپسند بوده و قرآن مجید از آن به عنوان تعصب جاهلانه نام برده است: "اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة الحمیة الجاهلیة فانزل الله سکینة علی رسوله و علی المؤمنین و الزمهم کلمة التقوی و کانوا احق بها و اهلها و کان الله بکل شیء علیم، آنگاه که کافران در دل‌های خود، تعصب تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد، و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت و آنان به آن سزاوارتر و شایسته آن بودند، و خدا همواره بر هر چیزی داناست".

شدت علاقه به افراد و آیین خاص و بغض و دشمنی با دسته و آیین دیگر، و نیز سودجویی و ریاست طلبی و نداشتن تقوای لازم، از ریشه‌های چنین تعصبی به حساب می‌آید (هاشمی زور، ۱۳۹۲).

تعصب ممدوح و پسندیده

در صورتی که حمایت انسان و تعصب او، فقط به جهت دفاع از حق بوده و هیچ گونه حب و بغض نفسانی نداشته باشد، چنین تعصبی ممدوح بوده و از بهترین صفات کمال انسانی و اخلاق پیامبران و اولیای الهی به حساب می‌آید. امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید: "دو علامت آن این است که حق با هر طرف هست، از آن حمایت کند گر چه از متعلقان او نباشد، بلکه از دشمنان او باشد. چنین شخصی از حمایت کنندگان حقیقت و درزمره طرفداران فضیلت و حامیان مدینه فاضله به شمار آید و عضو صالح جامعه و مصلح مفاسد جمعیت است".

در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: "تعصب حرام آن است که خویشان و نزدیکان را در کارهای ناروا و ستم کمک نمایی"، ولی "چنانچه کسی از قوم و عشیره خود بدون ارتکاب خلاف، دفاع کند بهترین انسان‌هاست". امام علی (ع) ضمن تقبیح تعصبات باطل می‌فرماید: "فلیکن تعصبکم لمکارم الخصال و محامداً لأفعال و محاسن الأمور، تعصب شما باید در شایسته و کارهای نیک و پسندیده باشد" (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

توجه جدی به جزئیات

دین مبین اسلام، در دستورها، توصیه‌ها و ابعاد مختلف فکری و رفتاری که به آن پرداخته، هم به کلیات توجه داشته است و هم به جزئیات. در احکام شرعی، علاوه بر پرداختن به مسائل کلی، به کوچک‌ترین مسائل، همچون گرفتن ناخن، سرمه زدن و... توجه نموده و توصیه کرده است که همه باید توجه کنند. در تفکر کردن انسان، نیز علاوه بر تفکر در آسمان‌ها، زمین و... به مورچه و نحوه زندگی و حیات او نیز توصیه به توجه شده است. افزون بر این، بر توجه به شتر و زنبور نیز توجه داده شده است و بسیار است. از ویژگی‌های افراد خلاق نیز این است که توجه زیادی به جزئیات در کنار کلیات دارند. همین توجه ایشان است که معمولاً به تولید ایده‌ها و فکرهای جدید منجر می‌شود. *امام علی علیه السلام: به منظور یادگرفتن پرسش کنید نه به منظور بهانه‌جویی (خنیف، ۱۳۸۶).

۳. نوآوری در اسلام

نوآوری به معنی ابتکار، ابداع و در مواردی نیز به معنی بدعت گذاری است. نوآوری ریشه در ادراک دارد و در اثر دیدن اشیا و پدیده‌ها از زاویه‌های نو و گاهی نیز محصول خلاقیت در انسان است؛ و از این رو پیوند عمیق و ارتباط وثیقی با خلاقیت دارد. نواندیشی وصفی برای فرد یا جامعه‌ای است که دارای اندیشه‌های نوین است.

شکوفایی نیز از شکفتن، باز شدن غنچه، پدیدار شدن و آشکار شدن است. شکوفایی نیز نوعی خلاقیت است. نوآوری همچون «دانش» و شکوفایی همچون «فناوری» است؛ یعنی شکوفایی، کاربرد نوآوری و به صحنه زندگی کشاندن آن است. صرف نظر از تعاریف اصطلاحی که برای این دو واژه در علوم مختلف بویژه مدیریت وجود دارد، در آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) نسبت به این مفهوم، خصوصیات و ویژگی‌ها، ریشه‌ها و عوامل، آثار و نتایج، ضرورت‌ها و الزامها و مصادیق و نمونه‌های آن، تصریحات و اشارات فراوانی وجود دارد.

در این مقاله، به نمونه‌هایی از موارد فوق پرداخته ایم. بدیهی است، شرح و تفصیل هر یک، به مقالات متعدد دیگری نیاز دارد و در اینجا فقط به اصل مطلب اشاره می‌شود.

الف: بعضی از اسماء و صفات الهی دربردارنده مفهوم نوآوری بوده و شکوفا نمودن را می‌رساند. از جمله:

الخالق: ا... خالق کل شیء (زمر ۴۹)

الباری: هو الباری المصور له الاسماء الحسنی (حشر / ۲۴)

بارئ همان خالق است که با نوآوری و بدون مواد قبلی چیزی را آفریده است.

البدیع: بدیع السموات و الارض (بقره / ۱۱۷ و انعام / ۱۱۰)

بدیع به معنی مبدع و ابداع کننده است و خداوند که موجودات را نو و بدون سابقه و پیشینه قبلی و بدون نقشه و مثال آفریده، بدیع است.

همچنین، اسماء دیگر پروردگار عالم همچون مصور، فاطر، مبدی، کاشف، باسط، منشی، قابض، باعث، معلن، مبین، مبین، و اسع، موسع، مفصل، فتاح، فارق، فارج و فاتح همگی متضمن معنا و مفهوم نوآوری، ایجاد و شکوفایی، پدید آوردن، گشایش دهنده‌گی، کار

گشایی، برطرف کنندگی، باز کنندگی، پیونددهندگی، آشکار کنندگی، نخستین آفرینی، نوآفرینی و امثال آن است که در آیات و روایات آورده شده است.

البته، جامع ترین نام که در بردارنده همه مضامین فوق است همان رب در رب العالمین است که همه هستی را و کل هستی و اجزای آن را از عدم و با ابداع آفریده و پرورش داده و شکوفا نموده است.

از آیه ۲۹ سوره الرحمن (یسئله من فی السموات و الارض کل یوم هو فی شأن) استفاده می شود که خداوند پیوسته ما را به تفکر در آفرینش و نوآوری مستمر الهی رهنمون می سازد (هاشمی ز نور، ۱۳۹۲).

ب- پیامبر(ص) و امت او در قرآن پدیده ای نو و دارای ویژگی نوشوندگی، زاینده گی، بالندگی، فزاینده گی و گستردگی و مانند آن هستند. اصولاً ظهور ادیان الهی به منظور شکوفایی و نوآوری در هدایت انسانها بوده است.

بر اساس «و مثلهم فی الانجیل کرز» مثل پیروان صادق و مخلص پیامبر اکرم(ص)، در کتاب آسمانی مسیحیان؛ مسلمانان برای دستیابی به نوآوری باید دارای ویژگیهای پنجگانه زیر باشند:

۱ تنها و محدود نباشند، بلکه جوانه زننده و زاینده است؛ به عبارت دیگر، عقیم و نازا نیست؛ بلکه همواره در حال تولید و تکثیر است.

۲ در راه «تقویت» دین تلاش کند و موانع رشد را از سر راهش بردارد.

۳ در سایه این حمایت و تقویت «استحکام» می یابند.

۴ به «استقلال» دست می یابد.

۵ «یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار» رشد و نمو و تولید و تکثیر این مزرعه با برکت، به قدری زیاد و چشمگیر است که زراعت کاران و کشاورزان را در حیرت و شگفتی فرو می برد، به گونه ای که آنها از تعجب انگشت بر دهان می گذارند، زیرا برخی از این درختان و گیاهان در مدت کوتاهی سراسر باغ را می پوشانند ولی در مقابل، کافران در خشم فرو می روند. خلاصه این که، طبق این آیه شریفه، برخی از اصحاب پیامبر به مزرعه ای زاینده و بالنده تشبیه شده اند و به خاطر ایمان و عمل صالح شان، بشارت «مغفرت» و «اجر عظیم» داده شده اند. (مکارم شیرازی، مثالهای زیبای قرآنی ص ۲۱۸)

همچنین، شأن نزول آیات فوق یعنی داستان صلح حدیبیه و نوآوری پیامبر(ص) در برخورد با مشرکان و حرکت جهل و بدون سلاح و با لباس احرام به سمت مکه و در هم شکستن همه تصورات مشرکان مصداق بارزی از نوآوری است که آثار بسیار فراوان از خود داشته و این همان فتح المبین مذکور در آغاز سوره فتح است (خنیفر، ۱۳۸۶).

سنت پروردگار در این است که بدون پویایی و تغییر و نوآوری به دست انسانها، سرنوشت دنیا و آخرت آنها دگرگون نخواهد شد. و این انسانها هستند که با ایجاد تغییر در درون جان خود و در جامعه و پیرامون خود، امداد و عنایتهای الهی را برای خود جلب می نمایند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۴).

ج- چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم، آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند، باز هم درخور پیروی هستند.

از نظر قرآن نواندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته یک اصل مسلم و ضروری است زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه پدران را بسیار نکوهش کرده و به خردورزی و راهیابی دعوت می کند. قرآن انسانها را به نواندیشی در مسیر هدایت دعوت کرده تا هم خردهای آنان را بیدار نماید و هم راه های تازه ای را فراروی انسانها بگشاید و آنها را به هدایت برساند. به همین دلیل، دعوت به فکر، علم، عقل، تدبیر، حکمت، نور و امثال آن در آیات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است و انسانهای هدایت یافته را مردگانی که زنده شده اند دانسته و برای آنان نور هدایتگر قرار داده است.

(یخرجهم من الظلمات الی النور انعام/۱۲۲)؛ ماندن در ظلمات و جهل و نداشتن نواندیشی و پویایی در عرصه فکر و اندیشه، باعث محرومیت از هدایت و نکوهش پروردگار است.

(و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبرش بیایید، می گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند؟ مائده /۱۰۴)

بنابراین، نواندیشی و پویایی فکری جوهره تفکر دینی است و ایستایی تأثیر نپذیرفتن از شرایط حق، کفر است.

(در حقیقت، کسانی را که کفر ورزیده اند چه بیمشان بدهی و چه بیمشان ندهی برایشان یکسان است و ایمان نخواهند آورد). اگر کسی هشدار پیامبران را که رساترین و مؤثرترین هشدارهاست، نشنود به دلیل این است که حس بویایی در آنها مرده است و همچون سنگ سخت شده اند و دیگر هیچ امیدی به خیر و تکامل آنها نیست (هاشمی ز نور، ۱۳۹۲).

د- قرآن به دانش، پژوهش، تولید علم و فهم عمیق و استنباط، ارزش فوق العاده داده و جامعه مؤمنین را مکلف نموده است تا پیوسته نیاز علمی و فکری خود را با تفقه در دین تحصیل نمایند.

شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا دسته ای بمانند و در دین آگاهی پیدا کنند. (توبه/ ۱۲۲)

دعوت به فهم عمیق و ژرف از دین در اسلام مورد تأکید است و آنان که نمی دانند باید از آنان که می دانند بپرسند و سؤال کردن یک ارزش است: فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون (نحل/ ۴۳)

در سوره نساء آیه ۸۳ در صورت عدم توان بر حل مسأله، دستور داده مسائل خود را نزد کسانی ببرید که از توانایی استنباط (پویایی و توانایی فکری و علمی) برخوردارند.

همچنین، دعوت به فکر، نقد، اندیشه و خرد ورزی در قرآن، دعوت به نوآوری و پویایی فکری و شکوفایی ذهنی و علمی و کشف و فهم و ادراک مجهولات و معلوم نمودن نادانسته هاست.

و- در قرآن مصادیق متعددی از نوآوری را برای شناساندن و آموزش دادن آن به مسلمانان ذکر نموده است:

- در سوره انبیاء آیه ۵۸ ابراهیم رشد یافته را (و لقد آتینا ابراهیم رشده من قبل) و نوآوری و ابتکار او را در بیدار کردن فطرت بت پرستان بیان کرده و کید و نقشه او را مبنی بر اینکه بتها را شکسته و تبر را به دوش بت بزرگ قرار داد، به عنوان ابتکار بسیار مؤثر او بیان می کند.

- در سوره کهف آیه ۹۲، نوآوری ذوالقرنین در ساخت سد به عنوان مانع یاجوج و ماجوج را بیان کرده و از آن به عنوان رحمت پروردگار یاد نموده است. (قال هذا رحمة من ربی).

در پرتو همین آموزه های قرآنی بود که پیامبر(ص) و ائمه(ع) و مسلمانان در موارد متعدد با ابتکار عمل و خلاقیت خود، به نوآوریهای بزرگی اقدام نموده و تمدن بزرگ اسلامی را شکل دادند. از جمله، حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ احد و بسیاری از احکامی که توسط معصومین(ع) بیان شده، نوآوریهای اثر بخش و کارآمدی بود که باعث رونق و توسعه اسلام گردید. همچنین اصل انقلاب اسلامی توسط پیامبر(ص) در فضای سنگین جاهلیت، نوآوری و همه معارفی را که این پیامبر امی و درس ناخوانده برای بشر آورده، در جهت شکوفایی استعدادها و توسعه مادی و معنوی زندگی انسانها بوده است.

انقلاب اسلامی مردم ایران نیز برگرفته از همین الگو و نوآوری در یک نظام مردم سالار دینی و در نظم موجود حاکم بر جهان امروز، هم در کلیات و هم در جزئیات خود، هم در راهبردها و هم در تاکتیک ها و در همه شوون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود بوده است. آثار این نوآوریها را در عرصه های گوناگون بخصوص دفاع مقدس شاهد بوده و هستیم و توفیقات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های سنگین دشمنان، در پرتو خود باوری و نوآوریهای برگرفته از آموزه های دینی و قرآنی بوده است.

روشن است، که نوآوری در آموزه های اسلامی هم برای فرد و هم برای جامعه معنادار بوده و در جهت مثبت و برای بهبود وضعیت موجود است و هرگز به معنی نادیده گرفتن اصول و مبانی و ترک سنتها و خروج از چارچوب شریعت و احکام الهی نیست؛ بلکه همان توسعه خردورزی و پویایی فکری و اجتماعی و کسب علم و بینش نو و میدان دادن به روح جستجوگری و کشف و راسخ شدن در علم و فقه عمیق می باشد.

مشابه آنچه در آیات قرآن مشاهده شد، در روایات و البته با تفصیل و تبیین به مراتب افزون تر در مورد نوآوری، خلاقیت و شکوفایی، عوامل مؤثر بر آن، شاخصها، الزامها و بایدها و نبایدهای آن، مطالب فراوانی آمده است. در این بخش از مقاله تنها به ذکر نمونه هایی از روایات که به اصل موضوع مرتبط می شود اشاره شده و توجه به این نکته را ضروری دانسته که بحث جامع از این موضوع در روایات، زمان و محل دیگری را می طلبد.

۱. علی(ع): عقل غریزه ای است که با علم و تجربه رشد می کند.

۲. پیامبر(ص): همه خو بیها را با عقل می توان به دست آورد.

۳. پیامبر(ص): انسان با عقلش انسان است.

۴. علی(ع): فکر آینه ای بدون زنگار است.

۵. علی(ع): کسی که چشم اندیشه اش را بیدار بدارد، به نهایت و آخر مطلوبش خواهد رسید.

۶. علی(ع): ای کمیل، هیچ حرکتی نیست مگر آنکه تو در آن محتاج شناخت هستی.

۷. امام صادق(ع): کسی که در آموخته های خویش بیشتر اندیشه کند، علم خود را استوارتر کرده و نکته هایی را در می یابد که دست نیافتنی است.

۸. امام علی(ع): اهل بینش کسی است که بشنود و بیندیشد و ببیند و با بینش در آن درنگ و از رخدادها پند گیرد و بهره مند شود و خود را از پرتگاه ها نگاه دارد.

۹. پیامبر(ص): اگر دو روز کسی برابر باشد ملعون است، اگر فردای کسی بهتر از امروزش باشد مقبول است. اگر کسی در پی تدارک کاستی در عمل خود نباشد، کاستی در عقلش خواهد بود و اگر کسی در عمل و عقل کاستی داشته باشد عدمش از وجودش بهتر است.

۴. ایجاد فرصت کارآفرینی

پنج مرحله تشخیص و ایجاد فرصت

بیشتر تلاش‌های محققین در مدل تشخیص و ایجاد فرصت، آن را به عنوان محل تلاقی عوامل زیادی از قبیل زمینه کارآفرینی و تأثیر کسب و کار و محیط عمومی تعریف کردند. در تلفیق از این دیدگاه‌ها، هیل و همکارانش (۱۹۹۹) و لومپکین و همکاران (۲۰۰۴) مدلی را پیشنهاد کردند که طی آن یک چهارچوب "مرحله خلاقیت"، عناصر ضروری برای مدل سازی تشخیص فرصت را ارائه می‌داد. این مراحل شامل: (۱) آماده سازی؛ (۲) پرورش؛ (۳) بینش، که فاز اکتشاف را شکل می‌دهند؛ (۴) ارزیابی؛ و (۵) به جزئیات پرداختن که فاز شکل‌گیری را شکل می‌دهند. در زیربخش پایین، هر کدام از این پنج عنصر با رانه اینکه چگونه در فرایند تشخیص فرصت استفاده می‌شود مورد بحث قرار گرفته‌اند (کانتینن و اوجا، ۲۰۱۱).

آماده سازی: تحقیقات قبلی بر این باور بودند که آماده سازی و دانش قبلی برای فرایند تشخیص فرصت ضروری هستند. آماده سازی به تجربه و دانشی رجوع می‌کند که پیش از فرایند اکتشاف فرصت می‌آید. چنان آماده‌سازی اساساً یک تلاش آگاهانه برای ایجاد تخصص در یک حوزه و ایجاد یک حساسیت برای موارد و مشکلات در یک زمینه سودآور است. اما آماده سازی همچنین شامل دانش و تجربه‌ای است که غیر ارادی و بدون قصد اکتشاف فرصت جمع آوری شده است. در یک مجموعه سازمانی، ایده‌هایی که به راه‌اندازی موفقیت آمیز کسب و کار منجر می‌شود، اغلب از زمینه شرکت، خط جاری محصول یا خدمت، یا دانش فنی پدیدار می‌شود. با این حال، افراد مهارت‌ها و ایده‌های جدید را به شرکت می‌آورند که می‌تواند به ایجاد کسب و کارهای جدید منجر شود (لنر و کانسیکاس، ۲۰۱۲).

پرورش دادن. پرورش دادن به بخشی از فرایند تشخیص فرصت گفته می‌شود که کارآفرینان یا تیم کارآفرین به یک ایده یا یک مشکل ویژه می‌انديشد. با این حال این مرحله به حل مسئله آگاهانه یا تجزیه و تحلیل سیستم‌ها ارجاع نمی‌شود، ابراز می‌کند که در طول پرورش دادن، "ایده‌ها از زیر یک آگاهی بیرون می‌آیند". بنابراین پرورش دادن اساساً یک سبک تکراری و جهت‌نیافته، از توجه کردن امکانات یا گزینه‌های متفاوت است. لنر و کانسیکاس (۲۰۱۲) پرورش دادن را به عنوان یک دوره که "تشخیص، آماده جوش آمدن می‌شود" توصیف کرده است. این بخشی از فرایند تشخیص فرصت است که ترکیب جدیدی که شومپتر (۱۹۳۴) به آن فکر می‌کرد، پدیدار می‌شود. (لنر و کانسیکاس، ۲۰۱۲)

بینش: بینش به لحظه "یافتن، یافتن" اشاره می‌کند. در حالیکه پرورش دادن به یک فرایند جاری نظر دارد، بینش به لحظه تشخیص اشاره می‌کند. در بسیاری موارد، این نقطه‌ای است که تمام جواب یا راه‌حل اساسی به شکل ناگهانی و غیرمنتظره به ذهن خطور می‌کند. این همگرایی ناگهانی نتیجه تغییر ادراکی است که روابط وسیله-هدف موجود را به هم می‌ریزد. بینش‌ها ممکن است کاتالیزورهای خنثی سازی برای ایجاد کسب و کار جدید یا دانش پوشش داده نشده‌ای که فرایند جاری اکتشاف را به پیش اندازد، فراهم کنند. غیر محتمل است که بینش یک "رویداد" منفرد باشد؛ بینش‌ها اغلب به صورت بازگشت پذیری از طریق فرایند تشخیص فرصت روی می‌دهند. بینش‌های کارآفرینی اساساً یا تشخیص ناگهانی فرصت کسب و کار، یعنی راه حلی برای مشکل کاملاً مطالعه شده و یا به دست آوردن یک ایده از همکاران، دوستان و سایر افراد مرتبط را شامل می‌شوند (شرت و همکاران، ۲۰۱۰).

ارزیابی: ارزیابی شروع فاز دوم فرایند تشخیص فرصت، یعنی شکل‌گیری را نشان می‌دهد. این مرحله شامل تحلیل این می‌شود که مفاهیم ایجاد شده در فاز اکتشاف قابل اجرا باشند، اینکه آیا تیم/کارآفرین مهارت‌های ضروری برای انجام آن را داشته باشند، و اینکه این ایده آنقدر جدید باشد که بشود روی آن کار کرد. در زمینه تشخیص فرصت کارآفرینانه، مرحله ارزیابی شامل مطالعه امکان‌سنجی می‌شود، به شکلی که ایده‌ها از طریق شکل‌های مختلف بررسی از قبیل آزمون مقدماتی بازار، تحلیل‌های امکان‌سنجی مالی و یا بازخوردهایی از شرکای تجاری و سایر افراد در شبکه اجتماعی مورد آزمون قرار گیرند. ارزیابی همچنین شامل یک فرایند داخلی می‌شود که در آن کارآفرین باید چشم‌اندازی برای بینش جدید جستجو کند و بپرسد: آیا مفهوم این کسب و کار به اندازه کافی ارزشمند است که آن را اجرا کرد؟ (کانتینن و اوجا، ۲۰۱۰)

به جزئیات پرداختن: در محیط خلاقیت کارآفرینانه، پرداختن به جزئیات یعنی: "ارزش آفرینی از طریق کار خلاقانه". بر عکس جنبه‌های در جستجوی اطمینان مرحله ارزیابی، این مرحله شامل جستجوی مشروعیت است: شکل دادن کسب و کار از یک فرصت پایدار با موضوع قرار دادن آن در یک بررسی موشکافانه خارجی و ساختن یک سیستم حمایتی برای آن. این مرحله از آنجا که نشان‌دهنده کار نسبتاً خسته کننده انتخاب گزینه‌ها، نهایی کردن انتخاب‌ها و سازماندهی منابع است، اساساً وقت‌گیرترین بخش فرایند است. با فرض اینکه ایده

کسب و کار بعد از مرحله ارزیابی هنوز پایدار ملاحظه می‌شود، این مرحله شامل فعالیت‌های برنامه ریزی جزئیات برای کاستن از عدم اطمینان می‌شود. با این حال خود فرایند پرداختن به جزئیات جنبه‌هایی از مفهوم کسب و کار را که نیاز به توجه یا تحلیل‌های دقیق‌تری دارد و بنابراین باید بیشتر تحت ارزیابی قرار گیرد، آشکار می‌کند (لنر و کانسیکاس، ۲۰۱۲).

۵. فرصت کارآفرینی در اسلام

کشف فرصت کارآفرینی در اسلام بصورت موارد زیر مطرح شده است:

کار آفرینی راهی برای خودکفایی و حفظ استقلال

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است: «اگر انسان ریسمانی بگیرد، پشته‌ای از هیزم را بر دوش کشد و آن را بفروشد و از این رهگذر نیازهای زندگی خود را تأمین نماید، بسی بهتر از این است که از دیگران درخواست کمک کند» و این موضوع مؤلفه‌ای است که ترویج و نهادینه سازی آن نه تنها می‌تواند تأمین معاش افراد را به همراه داشته باشد، بلکه در ایجاد اشتغال برای دیگران نیز مؤثر واقع خواهد شد، بدین معنی که فرد در مرحله آماده سازی برای کارآفرینی قرار می‌گیرد.

رابطه کار و عزت نفس

در ادبیات اسلامی، بخشی از عزت نفس، در گرو کار و تلاش است. کار کردن، موجب می‌شود انسان به کمک دیگران امید نبندد و دست تکدی و نیاز به سوی این و آن دراز نکند. انسان باید بکوشد با کار و حرفه‌ای مخارج زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین کند و اسیر محبت و منت دیگران نشود. شاید به همین سبب است که امام علی علیه السلام در وصیتی به فرزندش امام حسن علیه السلام فرموده است: اگر می‌خواهی آزاد باشی و حریت داشته باشی، مانند بندگان و غلامان زحمت بکش و کار کن. امید و آرزوی خود را از مال جمیع انسان‌ها قطع کن، هرگز چشم طمع به مال و ثروت و اندوخته دیگران نداشته باش. اگر کار و کسبی به تو پیشنهاد شد، نگو این کار کسر شأن من است و درجه و مقام مرا در جامعه پایین می‌آورد. زیرا هیچ چیز به اندازه اینکه انسان از دیگران توقع و تقاضا داشته باشد و استمداد کند، او را پست، حقیر و خوار نمی‌کند. تو تا وقتی از دیگران بی‌نیاز باشی و چشم طمع به مال کسی ندوزی و از فردی هدیه نخواهی، از همه بلندقدتر نیز خواهی بود.

بی‌نیازی از دیگران و عزت نفس، در ذات کار و کوشش است. امام صادق علیه السلام در به هم پیوستگی این دو اصل می‌فرماید: ای بنده خدا، عزت خود را با کار کردن حفظ کن. [شخصی] پرسید: فدایت شوم، عزت من در چیست؟ حضرت فرمود: صبح گاهان برای کسب رفتن و اعتماد به خود داشتن، عزت توست.

بنابراین، انسان باید با کد یمین و عرق جبین، خود را از ذلت و زبونی‌رهای بخشد و متکی به کار و فعالیت خود باشد و دست نیاز به سوی این و آن دراز نکند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای می‌فرماید: هر که برای حفظ آبروی خود از ذلت سئوال و تکدی و همچنین برای اداره خانواده و کمک به همسایه در پی کسب حلال برود و کار کند، روز رستاخیز با چهره‌ای تابناک مانند ماه شب چهارده به پیشگاه خداوند حضور می‌یابد.

فرار از کار و تلاش مانع دوری از رحمت الهی

در آموزه‌های اسلامی همواره تنبلی و سستی مورد نکوهش قرار گرفته و مسلمانان را از گره زدن معیشت خود به دیگران بر حذر داشته و از آنان خواسته تا برای تأمین نیازهای زندگی، با عزت نفس و دوراندیشی لازم، بر توان و ظرفیت‌های خود اتکا کنند. در این رابطه پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید «کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران بگذارد از رحمت الهی به دور است» چرا که رسوخ چنین فرهنگی در جامعه، برای افراد فقر و نابسامانی به همراه می‌آورد، حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید: «فرد و جامعه‌ای که نتواند از کار و تلاش خود، حیات اقتصادی و اجتماعی خویش را سامان دهد، سرانجام پذیرای تهیدستی و فقر و نابسامانی خواهد شد» و این بدان معنی است که در فرهنگ و تفکر اسلامی نباید و نمی‌توان بار زندگی خود را بر دوش دیگران گذاشت و این تعبیری دیگر است از فرمایش امام صادق (ع) که فرمودند: «الکسل یضر الدین و الدنیا - تنبلی به دین و دنیای انسان آسیب می‌رساند».

بر همین اساس فرد باید خود را در معرض کار قرار دهد و از همین رهگذر فرصت‌هایی برای او پیش می‌آید که مصادف با آماده سازی فرد است.

نکوهش بیکاری در اسلام

امام علی علیه السلام در هشدار، بی‌کاری و تن‌پروری را نکوهش کرده و فرموده است: «با اراده سست، ضعف پیشگی، و گرایش به بی‌کاری، بعید است که انسان به سعادت برسد».

بی‌توجهی به کار و روی آوردن به تنبلی و بی‌کاری، در حوزه اقتصاد، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به عنوان یک معضل و پدیده زبان‌بار معرفی شده است که اختلالات روانی، نابهنجاری‌های اجتماعی و بزهکاری از پی آمده‌های آن است. ادامه یافتن این مشکل برای مدت

طولانی، آسیب های روانی جبران ناپذیری را در سطح کلان به وجود می آورد؛ آسیب هایی که عزت و اعتماد و اتکای به نفس را از افراد بی کار می گیرد.

بی کاری، تنها ریشه اقتصادی ندارد، یعنی حتی با جریان فعالیت های اقتصادی نسبتاً مطلوب در جامعه و وجود مشاغل کافی و متنوع برای افراد، عده ای از کار کردن سرباز می زنند. این نوع بی کاری، ریشه فرهنگی دارد. در این گونه مواقع باید با ایجاد فرهنگ کار و ارزش گذاری به همه نوع مشاغل و هدایت به سمت نگاه عبادی به کار، انگیزه ها را افزایش و تعداد بی کاران را کاهش داد. سفارش به استفاده بهینه از وقت، به منظور نهادینه سازی فرهنگ کار بسیار مهم است. اتلاف وقت از بزرگ ترین گناهان به شمار می آید و برای رسیدن به رستگاری می باید از وقت محدود و عمر کوتاه، بیشترین بهره را برد. هدر دادن وقت در قالب خواب زیاد، رفت و آمدهای غیرضروری، زیاده گویی و غیره، از نظر اخلاقی پسندیده نیست. امام علی علیه السلام در نکوهش وقت گذرانی می فرماید: «بی کاری دائمی فساد آور است.» اسلام با نگاه تکلیفی به کار و نیز جهاد خواندن آن، انگیزه کار را در مؤمنان افزایش می دهد و از طریق مبارزه با بی کاری، تنبلی و تن آسایی به احیای فرهنگ کار اقدام می کند. آموزه های دینی، بی کاری و تنبلی را عامل انحراف و ناهنجاری عنوان می کند و تن آسایی و مصرف گرایی را از عوامل فقر و نداری می داند. پیامبر گرامی اسلام با افراد بی کار به سردی برخورد می کرد و آشکارا ناراضیتی خود را نشان می داد. ایشان روزی مرد نیرومندی را دید، با تعجب پرسید: آیا حرفه ای دارد؟ گفتند: بی کار است. فرمود: او که کار نمی کند، ارزشی ندارد.

بی شک انسان بی کار افزون بر رنج خود، خانواده و اطرافیانش را هم از این نظر در فشار و سختی نگه می دارد و به آنها آسیب می رساند. در سخنی امام صادق علیه السلام می فرماید: «انسان توانمند اگر کار نکند، در خوش گذرانی و بطالت می افتد و سرانجام به خود و خویشاوندانش آسیب های جدی می رساند».

امام علی علیه السلام در گفتاری، بر این مهم این گونه اشاره می کند: «سهل انگاری و تنبلی، به از بین رفتن حقوق دیگران می انجامد».

انسان تن آسا نزد خداوند هم ارج و قربی ندارد، چنان که امام صادق علیه السلام فرد بی کار را محبوب خدا نمی شمارد و می فرماید: «خداوند از خواب زیاد و بی کاری پیوسته نفرت دارد». بی کاری افزون بر زیان های اقتصادی، آثار سوء روحی، روانی دارد و در برخی از روایات ها به آثار زیان بار روانی بی کاری اشاره شده است. نفس کار، شادابی و نشاط آور است و در مقابل، بی کاری عامل افسردگی و پژمردگی روان است. از امام علی علیه السلام نقل است: «کار کردن، بر توان و نیروی انسان می افزاید.» و «عدم فعالیت بدنی، انسان را سست و ضعیف می سازد و شادابی و نشاط را از او می گیرد».

بر اساس مورد ذکر شده، نکوهش بیکاری موجب ایجاد تمایل به کار و اشتغال و در معرض کشف فرصت کارآفرینی قرار گرفتن می شود.

کارآفرینی و مصرف بهینه منابع و امکانات:

در آموزه های اسلامی ضمن ترغیب افراد جامعه به استفاده از نعمات و برکات الهی، پیوسته بر لزوم استفاده صحیح از منابع و امکانات و اجتناب از اسراف و تبذیر تأکید شده و علاوه بر آن بر ضرورت پاک و طیب بودن سرمایه و تأثیر آن در برکت و افزایش نتیجه کار نیز اصرار شده است.

در واقع اسلام ضمن تأکید بر پرهیز از ورود مال حرام به سرمایه های مورد استفاده برای تأمین معاش و هشدار برای پرهیز از ربا و رباخواری، تلاش نموده تا با هدایت صحیح امکانات موجود از طریق تعیین اموری مانند خمس و زکات، از فرآیند کسب و کار حمایت و جریان کار و کارآفرینی را در سطح جامعه تسریع، تسهیل و متعادل سازد.

در حقیقت این امر در راستای توجه به جزئیات و ایجاد بینش در فرد است. زیرا محدود شدن موجب ایجاد فرصت خلاقیت و یافتن راه حل مناسب و توجه به جزئیات بیشتر و راه های حل بیشتر می شود.

۶. بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی منابع اسلامی از جمله قرآن، روایات پیامبر اکرم و احادیث حضرت علی و ائمه اطهار پرداخته شد تا با تمسک جویی از این ریسمان مستحکم الهی، توشه اندکی برای تضمین اهمیت کارآفرینی و کشف فرصت های کارآفرینی در جامعه برداشته شود. در این پژوهش ابتدا کارآفرینی در اسلام مورد بررسی قرار گرفت و سپس خلاقیت و نوآوری به عنوان دو بازوی موثر در کشف فرصت های کارآفرینی از منظر اسلام مورد بررسی قرار گرفت. با استناد به آیات و روایات ذکر شده، مشخص شد که اسلام توصیه اکید به خلاقیت و نوآوری در محیط های کاری اسلامی دارد و افراد را تشویق به نگاه پرسشگرانه و پاسخ جویانه می نماید. همین دو اهرم موجب تقویت کشف فرصت های کارآفرینی در فرد می شود. سپس در ادامه موضوع فرصت های کارآفرینی از منظر تحقیقات صورت گرفته و آموزه های اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که اسلام با تاکید بر کار و اشتغال و همچنین خلاقیت و نوآوری بصورت توأمان، افراد را در محیطی قرار می دهد که با نگرشی مبتنی بر کنجکاوی و پرسش، به دنبال راه حل های جدید باشند. لیکن لازمه پرسشگری، این است که فرد در محیط کار قرار بگیرد و آمادگی لازم را برای مواجهه با مسائل کاری داشته باشد. همچنین اسلام توصیه اکید به رشد معنوی و مادی افراد نموده است و انسان را به بهره برداری از زمین و آسمان برای توسعه اقتصادی رهنمون شده است. از این رو با بهره گیری از دستورات و فرامین الهی، کارآفرینی و کشف فرصت های کارآفرینی در زمره مباحث مهم برای توسعه اقتصادی جامعه قرار می گیرد که باید بدان جامه عمل پوشانید.

بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می شود برای ایجاد فرصت های کارآفرینانه به موارد زیر که مبتنی بر یافته های پژوهش است عمل شود:

تمرکز بر خودکفایی و حفظ استقلال:

برخی از خانواده های امروزی با عملکرد خود که مبتنی بر فرزند محوری در خانواده است، موجب کاهش حس استقلال و خودکفایی در فرزندان می شوند و آنها را افرادی تن پرور و وابسته به نظام اقتصادی خانواده بار می آورند که این شیوه تربیت فرزندان کاملاً مغایر با اصول و مبانی اسلام است. از سوی دیگر این افراد به دلیل عدم برخورداری از روحیه ریسک پذیری و تحمل شکست، نمی توانند در آینده کارآفرین باشند. توصیه می شود در راستای توسعه فرهنگ کارآفرینی بر اساس مبانی اسلام و برای ایجاد فرصت کارآفرینی، برنامه هایی توسط نهادهای عهده دار توسعه کارآفرینی در کشور توسط صدا و سیما پخش شود که خانواده ها را از شیوه کنونی تربیت فرزندان منع نماید و شیوه های درست تربیتی را ارائه نماید و خانواده ها را از مضرات فرزند محوری در خانواده آگاه نماید.

رابطه کار و عزت نفس:

با توجه به اینکه فرهنگ کار موجب ایجاد عزت نفس می شود و این رابطه توسط مبانی اسلامی تاکید شده است، پیشنهاد می شود که در سیستم آموزشی کشور چه در مقاطع قبل از دانشگاه و چه در سیستم آموزش عالی، کارآموزی بر اساس رشته های انتخابی افراد، به دانش آموزان و دانشجویان انجام شود. مشابه این طرح پیش از انقلاب رواج داشت که موجب میشد دانش آموزان پس از اتمام دوره تحصیلی حتماً کاری را یاد گرفته باشند. ترویج مجدد این روش، اگر چه بار هزینه ای برای دولت دارد اما می تواند موجب شکل گیری عزت نفس در دانش آموزان و تقویت بنیاد اقتصادی جامعه از طریق ایجاد فرصت های کارآفرینانه شود.

فرار از کار و تلاش مانع دوری از رحمت الهی:

در تمامی منابع اسلامی، فرار از کار و پرهیز از انجام وظایف مذموم شمرده شده است. از همین رو، ترویج روحیه مسئولیت پذیری و انجام وظایف و تلاش برای کسب بهترین نتیجه در کتاب ها و سیستم آموزشی کشور و برنامه های صدا و سیما باید انجام شود.

نکوهش بیکاری در اسلام:

یکی از مهمترین فرصت های آموزش، در دوره آموزش ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است که دولت باید از این فرصت برای ترویج روحیه کار و تلاش و پرهیز از بیکاری استفاده نماید. دولت می تواند از آموزه های اسلامی برای تاکید و تقویت این مفاهیم نیز استفاده نماید. این تقویت و ترویج روحیه تلاش و پرهیز از بیکاری نباید فقط در کتاب های دینی و اخلاق اسلامی ذکر شود بلکه باید بصورت عملی و واحدهای درسی، دانش آموزان را تشویق به کار و تلاش بصورت فردی و جمعی نماید.

کارآفرینی و مصرف بهینه منابع و امکانات:

یکی از اصول کارآفرینی، تلاش برای استفاده از منابع محدود در ایجاد فرصت کارآفرینی است و این امر مستلزم ترویج اصول مدیریت و اقتصاد از دوره کودکی و نوجوانی است. اینکه افراد از ابتدا بتوانند به تشخیص منابع و محدود بودن آنها بپردازند. این منابع می تواند مادی و معنوی باشد. یعنی منابع اقتصادی و طبیعی به عنوان منابع مادی و منابعی همچون زمان و توان به عنوان منابع معنوی باید مدنظر قرار گیرند. آموزش مدیریت و اقتصاد به زبان ساده در دوره های آموزشی ابتدایی و راهنمایی، گام موثری در توسعه مفهوم منبع و محدودیت آن برای تصمیم گیری و تقویت کننده امکان شکل گیری فرصت کارآفرینی در افراد است.

منابع و مراجع

- [۱] حجازی، سیدرضا؛ اسدی، رؤیا و زرین مکان، فرینوش (۱۳۹۴). بررسی نقش خلاقیت و نوآوری در کسب و کار از منظر اسلام، کنفرانس بین المللی مدیریت و علوم اجتماعی، دبی، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.
- [۲] خدایاری فرد، محمد؛ احمدپور داریانی، محمود؛ هدهدی، بهزاد و مؤمنی، لیلا (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی دینداری با موفقیت کارآفرینان ایرانی، نشریه توسعه کارآفرینی، مقاله ۱، دوره ۵، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۸، صفحه ۷-۲۵
- [۳] خنیفر، حسین (۱۳۸۶). کارآفرینی در نظام ارزشی، قم: ایران نگین، چ سوم.
- [۴] خوزین، علی (۱۳۸۸). نوآوری و کارآفرینی از دیدگاه اسلام، دومین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، TRIZ و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران، تهران، پژوهشکده علوم خلاقیت شناسی، نوآوری.
- [۵] دهقانی زاده، مرضیه (۱۳۹۱). کسب و کار و کارآفرینی از دیدگاه قرآن و اسلام، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، دانشگاه مازندران، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
- [۶] شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷، ح ۱۰۲
- [۷] قربانی فر، محمد و فریدون آزما، ۱۳۹۲، روشهای ایجاد انگیزه و خلاقیت در کارکنان در محیط کار، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری، گرگان، انجمن علمی و حرفه ای مدیران و حسابداران گلستان.
- [۸] نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، تهران، موسسه انتشارات فقیه، چاپ پنجم.
- [۹] هاشمی زنور، سیده ساناز (۱۳۹۲). خلاقیت و نوآوری از دیدگاه قرآن و احادیث، دانشنامه موضوعی قرآن کریم، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.
- [۱۰] هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۸). کارآفرینی و اخلاق اسلامی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۷، شماره ۴۷، ۱-۳۵.
- [11] Gümüşay, A. A. (2015). Entrepreneurship from an Islamic perspective. *Journal of Business Ethics*, 130(1), 199-208.
- [12] Harrison, P., & Roomi, M. A. (2015). Entrepreneurial Leadership and Islamic Perceptions: Institutional, Market, and Cultural Approaches.
- [13] Harrison, P., & Roomi, M. A. (2015). Entrepreneurial Leadership and Islamic Perceptions: Institutional, Market, and Cultural Approaches, *Saïd Business School Research Papers*, 1-29.
- [14] Kontinen, T., & Ojala, A. (2011). Network ties in the international opportunity recognition of family SMEs. *International Business Review*, 20(4), 440-453.
- [15] Lehner, O. M., & Kansikas, J. (2012). Opportunity recognition in social entrepreneurship: A thematic meta analysis. *The Journal of Entrepreneurship*, 21(1), 25-58.
- [16] Oukil, M. S. (2013). Entrepreneurship and entrepreneurs in an Islamic context. *Journal of Islamic and Human Advanced Research*, 3(3), 111-131.
- [17] Short, J. C., Ketchen Jr, D. J., Shook, C. L., & Ireland, R. D. (2010). The concept of "opportunity" in entrepreneurship research: Past accomplishments and future challenges. *Journal of Management*, 36(1), 40-65.
- [18] Yaacob, Y., & Azmi, I. A. G. (2012). Entrepreneur's Social Responsibilities From Islamic Perspective: A Study of Muslim Entrepreneurs In Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 58, 1131-1138.